

حقوق تجارت

شرکتهای تجارتی بعمل آمده مسئولیت موضوع تجاری بودن مقصود شرکت از امور اساسی است که لازم الرعایه و مؤثر در تشخیص نوع شرکت از لحاظ تجارتی و مدنی میباشد.

تشکیل این قبیل شرکتهای موقوف به تنظیم شرکتنامه است بین شرکاء که باامضای هر یک از آنها رسیده باشد و غالباً نکاتی راجع بطرز اداره کردن شرکت و همچنین روابط بین شرکاء در آن ذکر میگردد.

معمولاً نکاتی که در اساس نامه های شرکت سهامی قید میشود با جزئی اختلافاتی در شرکتنامه شرکت های مختلط غیر سهامی نیز قید میشود.

سرمایه

سرمایه شرکتهای مختلط غیر سهامی مراب است از مجموع سهم الشرکه شرکاء ضامن و شرکاء با مسئولیت محدود که میزان آن قبلاً بوسیله مؤسسين تعیین میگردد.

در قانون حد اقل و اعلائی برای میزان سرمایه مزبور پیش بینی نشده و بنا بر این تعیین آن بر حسب مقتضیات تجارتی شرکت خواهد بود.

هر چند در قانون در بحث مربوط بشرکتهای مختلفه غیر سهامی ذکر ارتکب و تقلیل سرمایه نموده است ولی ماده ۲۲۲ قانون تجارت بطور کلی جواز امور مزبور در تمام شرکتهای تجارتی میباشد.

کم کردن و افزایش سرمایه در هر صورت باید بموجب مقررات اساس نامه باشد و افزایش سرمایه یا بوسیله تادیه اقساط بعدی از طرف شرکاء یا قبول شریک جدید بعمل می آید.

از عبارت «تادیه اقساط بعدی» نباید تصور رود که ممکن است فقط احداً شرکاء را باین وسیله ملزم با افزایش نمود

۶ - در صورت فسخ یکی از شرکاء در این مورد فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه یا شرکتنامه این حق از شرکاء سلب شده و ناشی از قصد اضرار نباشد.

تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً بشرکاء اعلام شود

اگر موافق اساسنامه یا شرکتنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالانه بعمل می آید.

۷ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء بطوریکه در گذشته مذکور افتاد.

۸ - در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء چنانچه سابقاً ذکر شد.

شرکت مختلط غیر سهامی

مشارکت اشخاص در امور تجارتی همیشه بشکل شرکت سهامی یا شرکت تضامنی نیست.

و ممکن است که آنها باقسام مختلفه مسئولیتهای متفاوتی را عهده دار شوند یعنی بعضی از آنها حاضر باشند در مقابل طلبکاران شرکت مسئولیت تضامنی بعهده بگیرند و برخی دیگر مختلط تا میزان محدودی خود را مسئول نمایند در این موارد اشخاص مزبور شرکتی بین خود منعقد میسازند که قانون تجارت آنرا تحت عنوان شرکت مختلط

سهامی معرفی نموده و در ماده ۱۲۱ قانون مزبور باین عبارت آنرا تعریف کرده است: (شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجارتی در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل میشود.)

چنانچه از تعریف مزبور و تعریفهایی که راجع به

چه امر مزبور متذات با مقررات کلی است که نمیتوان هیچیک از شرکاء را مجبور نمود بیش از آنچه که در شرکتنامه مقرر شده است شرکت بدهد.

افزایش سرمایه به ترتیب مقرر در اساسنامه که رعایت مندرجات آن بین شرکاء واجب و الزامی است از طرف تمام شرکاء بعمل میآید و معمولاً شرکاء اعم از ضامن یا بامسئولیت محدود به نسبت سهم الشرکه خود سرمایه لازم را نایبه می نمایند.

تقلیل سرمایه بجز موارد ضروری بانجوز اساسنامه امکان پذیر است و بطوری که ماده ۱۵۳ قانون تجارت مقرر داشته است تقلیل زمانی نسبت بطلبکاران مؤثر واقع خواهد شد که ثبت رسید بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکتها منتشر شده باشد و الا تقلیل مزبور در حق آنان تأثیری نداشته و شرکاء با مسئولیت محدودی که در نتیجه تقلیل سرمایه از سهم الشرکه آنها کاسته شده و بمیزان سهم الشرکه اولیه در مقابل طلبکاران مسئولیت خواهند داشت.

سهم الشرکه

سرمایه شرکتهای مختلف غیر سهامی چنانچه ذکر شد معادل است بمجموع سهم الشرکه شرکاء و سهم الشرکه مزبور مقدار معینی است که هر یک از شرکاء نایبه آن را بعهده گرفته و چنانچه ماده ۱۴۱ قانون تجارت مقرر داشته بشکل سهام شرکتهای سهامی منتشر نمیشود.

نظر باینکه در قانون تقدیم شیمی غیر از وجه نقد بعنوان سهم الشرکه صراحتاً منع نشده است علیهذا ممکن است با آنکه در قانون تصریح نشده است سهم الشرکه مذکور در فوق نقدی یا غیر نقدی باشد در مورد سهم الشرکه غیر نقدی باقیاس بمقررات مربوط به شرکتهای بامسئولیت محدود تقویاً تسلیم تمام آن الزامی است ولی در مورد سهم الشرکه نقدی مقرراتی راجع بتأدیبه کلی مبالغ آن در قانون دیده نمیشود و با استنباط از ماده ۱۵۲ قانون تجارت ظاهراً میتوان قسمتی از آن را اداء نمود ولی در هر صورت هر یک از شرکاء مزبور بمیزان سهمی سرمایه در مقابل طلبکاران مسئول و در مواقع مراجعه

طلبکاران نایبه تمام آن ضرورت خواهد داشت .
انتقال سهم الشرکه

انتقال سهم الشرکه بطور کلی تابع مقررات شرکتنامه خواهد بود ولی طبق مصدحات قانون تجارت بموجب ماده ۱۴۸ هیچ شریک بامسئولیت محدود نمیتواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود یا او داخل شرکت کند.

بموجب ماده مزبور انتقال سهم الشرکه از طرف شرکاء بامسئولیت محدود بدون رضایت سایر شرکاء منع نشده بلکه خلاف آن نیز استنباط میگردد منتهای مراتب انتقال مزبور صریحاً محدود بمورد انتقال شده و برای منتقل الیه ژاندا از آن حق دیگری که عبارت از حق شرکت باد دیگران باشد و معمولاً در چنین موردی نوبه انتقال آن نیز نزدیک ذهن است منظور نشده است.

ماده مزبور ناظر شرکاء بامسئولیت محدود است و در این مبحث نسبت بشرکاء تضامنی ذکر می بینان نیابوده است هر چند از عدم تذکر مزبور توهم آن میرود که شرکاء ضامن با استفاده از ماده ۵۸۳ قانون مدنی بتواند سهم الشرکه خود را بدون رضایت شرکاء دیگر جزاً یا کلاً بشخص ثالثی منتقل کند ولی نظر باینکه شرکتهای تجارتی ژانبدۀ قانون تجارت و تابع مقررات آن میباشد و خصوص مورد در حقیقت بیش از یک اختلاط شرکت تضامنی با شرکت با مسئولیت محدود نیست اولویت رعایت مقررات قانون تجارت بر قانون مدنی راجح بنظر میرسد در قیاس بماده ۱۲۳ قانون تجارت دائر بر اینکه در شرکت تضامنی هیچیک از شرکاء نمیتواند سهم خود را بدیگری منتقل کند مگر بر رضایت تمام شرکاء قول اینکه شرکاء ضامن در شرکتهای مختلف غیر سهامی نیز مجاز در انتقال سهم الشرکه بدون رضایت سایر شرکاء نباشد مورد است و ماده ۱۶۰ قانون فوق الذکر مینوی بر اینکه شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکتهای تضامنی است مؤید این نظر است .